

شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۵/۰۳/۱۲

بداله ملکی* (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد)

چکیده

دین مبین اسلام به موضوع امنیت به عنوان یک اصل مهم در زندگی انسان توجه نموده و سایر مسائل را منوط به امنیت کرده است و در این راستا مهم ترین موضوع شهر نشینی، مساله ی امنیت اجتماعی است.. در قرآن کریم و سنت معصومان (ع) امنیت جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داده است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی می باشد و اطلاعات گردآوری شده از طریق منابع کتابخانه ای و اسنادی بوده است. لیکن در این مقاله به بررسی مقوله ی شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه های دینی (قرآن و سنت) توجه شده و بر این اساس شاخص های کلیدی امنیت اجتماعی و شهر امن از منظر قرآن و سنت، اصول و عوامل تهدید کننده و راه کارهای امنیت اجتماعی، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، شهر امن، اسلام، امنیت اجتماعی، آموزه های دینی

مقدمه

امنیت از واژه ی «امن» در مقابل خوف و اضطراب، به معنای عدم خوف و به معنای امان (طریحی نجفی، ۱۳۷۸: ۱۱۳/۱۱۲) و نداشتن ترس (فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱: ۱۰۸) و به معنای آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین بردن ترس و هراس (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱: ۱۵۰ و راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۳۰) و هم چنین به معنای بی خوفی، در امان بودن، آرامش و آسایش و بی خطری، سلامت، راحت و آسوده بودن و در امان بودن به کار رفته است. (سیاح، ۱۳۷۵: ج ۱: ۵۳ و دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۱: ۱۴۳). در تعریف لغوی امنیت، معنای درونی و نفسی و حالت آرامش داشتن درونی وجود دارد. امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک جامعه و زمینه ساز رشد، توسعه و ثبات جامعه محسوب می گردد. شکوفایی اقتصادی یک جامعه، سرمایه گذاری، برنامه ریزی برای توسعه، پیشرفت و هرگونه فعالیتی که می تواند عامل مؤثر برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سایر ابعاد جامعه باشد، همه در سایه ی وجود و استقرار امنیت در جامعه و اجتماع است (پور موسوی، امینی؛ ۱۳۹۲: ۲).

در تعریف امنیت و امنیت اجتماعی نظرات و دیدگاه های متفاوتی ارائه شده است. به طور کلی می توان امنیت را از دو دیدگاه تعریف نمود؛ الف: دیدگاه سنتی (در این دیدگاه، امنیت صرفا به معنای حصول شرایط فردی، گروهی و اجتماعی است که عاری از خشونت و پرخاش-گری باشد) ب: دیدگاه مدرن و نوین (در این دیدگاه، مفهوم امنیت، ایمنی ناشی از فقدان خشونت را در بر می گیرد و علاوه بر آن، مبتنی بر شرایطی است که انسان به لحاظ شغلی، خانوادگی، فکری و عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و... در آسودگی و رفاه و آسایش باشد). (زندى، جعفری؛ ۱۳۸۴: ۱۲۶/۱۲۵). در مجموع می توان امنیت را، مصونیت از تعرض و تصرف بدون رضایت و در مورد افراد، نبود ترس و بیم و هراس و دلهره نسبت به حقوق و آزادی های مشروع فردی و اجتماعی و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی ها و مصون بودن از تهدید، خطر، مرگ، بیماری، فقر، حوادث غیر مترقبه، و درک هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف نمود. (یزدانی، صادقی؛ ۱۳۸۸: ۳) و در تعریف امنیت اجتماعی می توان گفت: امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات و نیز توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزش ها و آرمان های جامعه است. در این تعریف، امنیت اجتماعی به تعامل افراد جامعه با یک دیگر منوط می باشد و هم چنین رابطه ی مردم یک جامعه با هم دیگر، دولت و سایر نهادهای اجتماعی مد نظر می باشد. (محمدی، امیری، جوهر؛ ۱۳۹۳: ۷) به عبارت دیگر؛ امنیت اجتماعی عبارت است از: حالت

فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی، در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد. (آشوری؛ ۱۳۸۷: ۳۸)

بیان مساله:

احساس امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک اجتماع و بستر ساز رشد و توسعه و ثبات جامعه می باشد. استقرار امنیت عمومی و اجتماعی در یک جامعه، نیازمند ساختاری است که در آن حداقل، عناصری مانند: عدالت اجتماعی، رفاه، تأمین اجتماعی، اشتغال، آزادی، حاکمیت مردم، مشارکت کامل مردم در امور سیاسی اجتماعی، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانیان، سازگاری اجتماعی و نظایر آن وجود داشته باشد. یکی از عوامل و ویژگی های عصر ما که امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد، شهر و شهرنشینی و افزایش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و توسعه ی شهرهای کوچک و بزرگ است. بدیهی است که بدون امنیت اجتماعی، نمی توان انتظار کارآیی از شهر و ساختار شهری برای سکونت شهروندی و زندگی همراه با رفاه و کرامت انسانی داشت.

دین مبین اسلام به موضوع امنیت به عنوان یک اصل مهم در زندگی انسان توجه نموده و سایر مسائل را منوط به امنیت کرده است. اهمیت امنیت تا جایی است که امام علی (ع) آن را به مثابه ی گواراترین نعمت (آمدی؛ ۱۳۷۷: ج ۱: ۱۱۰)، سرمایه ی رفاه زندگی (آمدی؛ ۱۳۷۷: ج ۱: ۱۱۰) و یکی از اهداف ذاتی و مأموریت های اساسی حکومت اسلامی می داند. (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۹۳). در این مقاله به بررسی شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه های دینی (قرآن و سنت) پرداخته شده و به اصول و شاخص ها و عوامل تهدید کننده ی امنیت اجتماعی و مسائل دیگری توجه شده است. اما نویسندگان این مقاله بر این باورند که از منظر قرآن کریم و سنت معصومان (ع) اساسی ترین رویکرد امنیت، ناشی از رابطه ی بین خودسازی و رهایی انسان از هوی و هوس و شهوت و اجتناب از معاصی و و نافرمانی خدای متعال و در حقیقت تقوی داشتن و برخورداری از آزادی معنوی به طور کامل است و در سایه ی تقوی و آزادی معنوی است که امنیت و آسایش و آرامش و آسودگی روحی و روانی و فردی و خانوادگی و اجتماعی، تحقق می یابد. و به قول استاد شهید مرتضی مطهری (ره) «تقوی به انسان امنیت معنوی می دهد؛ یعنی او را در مقابل آسیب های فردی و اجتماعی هم چون اسارت و بندگی هوی و هوس در امان می دارد، رشته ی، آرز، طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردش بر می دارد و به این ترتیب رقیبت ها و بردگی های اجتماعی را از بین می برد. مردمی که برده و

بنده‌ی پول و مقام و راحت طلبی نباشند، هرگز زیر بار اسارت‌ها و رقیّت‌های (بندگی‌های) اجتماعی نمی‌روند. (مطهری؛ ۱۳۶۳: ۶۰).

و هم چنین شهید آیت الله محمد حسین بهشتی (ره) در این زمینه فرموده‌اند: «قدرت مادی نمی‌تواند به تنهایی امنیت را به ارمغان آورد؛ زیرا امنیت تنها وقتی معنی پیدا می‌کند که انسان احساس کند تمام بندها که تنها بخشی از آن‌ها، بندها و قیودات مادی و درونی است از میان برداشته شود و این تنها وقتی صورت می‌پذیرد که انسان تنها در کنار نیازهای مادی خود، آرامش معنوی لازم را در جهت امان‌سازی خویشتن از تمام قیود و آسیب‌های درونی داشته باشد.» (لک زایی؛ ۱۳۸۰: ۵۷)

شاید نتوان زمانی را پیدا کرد که در آن انسان به نیازهایی مانند خوراک، پوشاک و مسکن توجه کرده باشد اما به دنبال امنیت نبوده باشد. حتی می‌توان ادعا کرد که یکی از دلایل پیوستن انسان‌ها به هم دیگر و ایجاد جامعه‌ی انسانی، احساس امنیت و افزایش آن بوده است. (محمدی، امینی، جوهر؛ ۱۳۹۳: ۱). نخستین مباحث فلسفی و سیاسی امنیت را در آثار افلاطون و ارسطو می‌توان یافت. سابقه‌ی امنیت را در ادیان الهی و غیر الهی می‌توان جست و جو نمود. به عنوان نمونه از ۶۲۳۶ آیه‌ی قرآن، حدود ۸۵۳ مورد یعنی تقریباً ۱۳ درصد پیرامون ایمنی و امنیت می‌باشد.

مفهوم Societal Security (امنیت اجتماعی) برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان (Barry Buzan)، ال ویور (Waever Ole) و لمیتر (Lemaier) تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت امواج تهدید آمیزی بود که «هویت گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده بودند. بدین معنا که از یکسو با رشد فناوری‌های نوین و مجتمع‌های صنعتی، هویت بعضی گروه‌ها در هویت‌های مسلط هضم می‌شد و از سوی دیگر با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی در تمایزهای هویتی پدیدار می‌گردید. بوزان و ویور و بعضی دیگر از محققان اروپایی در سال ۱۹۹۳ با تعریف Societal Security به عنوان «دستور کاری جدید برای امنیت در اروپا» پیش‌گامان مبحثی در مطالعات راهبردی شدند که امروزه به موضوعی جذاب و مناقشه‌انگیز مبدل شده است. اندیشمندانی مانند: توماس هابز و گیدنز و جکسون در جامعه‌ی انگلیس و استانکو و رینوی و لوری و هایی ویور در جامعه‌ی آمریکا و بل در انگلستان و پاسکال در فرانسه و بسیاری دیگر از اندیشمندان و جامعه‌شناسان به مقوله‌ی امنیت و امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های داخلی نیز افرادی مانند: دکتر منیژه نویدنیا رساله‌ی دکتری خود را با عنوان بررسی ابعاد امنیت اجتماعی دفاع

نموده است. هم چنین مقالات فراوانی در زمینه ی امنیت اجتماعی از دیدگاه های متفاوت توسط پژوهش گران ایرانی نگاشته شده که در سه جلد به عنوان مجموعه ی مقالات همایش امنیت اجتماعی توسط معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است. اما در میان پژوهش های صورت گرفته، مقاله یا کتابی با عنوان شهر و امنیت اجتماعی از منظر آموزه های دینی به چشم نمی خورد. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن است که از این منظر، مقوله ی امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق:

از آنجا که انتخاب روش تحقیق دقیق و کارآمد از مهم ترین ارکان هر پروژه تحقیقاتی محسوب می شود تا در رسیدن به اهداف تحقیق توفیقات بیش تری حاصل گردد، در این پژوهش بر آن شدیم تا با گزینش روش بنیادی به لحاظ هدف و انتخاب روش تحلیلی-توصیفی از نظر ماهیت و روش نسبت به انجام فعالیت تحقیقاتی با موضوعیت « امنیت اجتماعی و ضرورت و جایگاه آن در شهرها » بپردازیم؛ لازم به ذکر است گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسنادی صورت پذیرفته که امید است مورد توجه خوانندگان عزیز قرار بگیرد.

مبانی نظری تحقیق:

مهم ترین شاخص های امنیت اجتماعی و شهر امن از منظر آموزه های دینی

اصل خدا محوری و حاکمیت خداوند (اصل حاکمیت قانون الهی ، اصل استقلال و تساوی مدنی (اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و برابری در برابر قانون)، برقراری عدالت، برابری و مساوات، تعریف و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی ، تعهد و مسؤولیت افراد، آزادی (عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد) ، اصل اخوت، برادری، گذشت، ایثار و حس هم دردی ، قانون گرایی ، نظم ، برقراری قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی، برپایی و حاکمیت علایم و نشانه های دین، اصل متقابل بودن حقوق و احترام به حقوق یک دیگر ، اعتماد و حسن نیت نسبت به یک دیگر، وفای به عهد، برقراری امنیت (جانی، مالی، شخصیتی و در حوزه ی خصوصی)، اصل مشاورت و شورایی بودن امور و توسعه ی

اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین شاخص‌های امنیت اجتماعی و شهر امن از منظر آموزه‌های دینی می‌باشند.

در این جا لازم است که مهم‌ترین این شاخص‌ها را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- اصل توحید و خدا محوری:

براساس نگرش دینی، هستی آفریده‌ی خداوند است. (سوره ی رعد، آیه ی ۱۶) نظام هستی بر اثر تصادف به وجود نیامده است و خود آفریننده‌ی خود نیست. (سوره ی حجر، آیه ی ۸۵). چنین مجموعه‌ی پیچیده‌ی نیازمند، آفریدگاری توانا، قادر، حکیم، دانا و خردمند است و چنین آفریدگاری، خداوند یکتا می‌باشد. علاوه بر آن، خداوند خود نیز، مالک، مدبر و تنظیم‌کننده‌ی چنین مخلوقاتی می‌باشد. (سوره ی آل عمران، آیه ی ۲۶) هستی خلق شده، تحت اراده‌ی قوی و شکست‌ناپذیر ی است و گوش به فرمان وی است. (سوره ی فصلت، آیه ی ۱۱) مرگ و ممات و حیات موجودات به دست اوست و اوست که می‌میراند و زنده می‌کند، روزی می‌دهد، هدایت و گمراه می‌کند، خداوند ملجأ و پناه گاه همگان است، (سوره ی آل عمران، آیه ی ۲۶ و ۲۷) همه نیازمند به اویند و وی بی‌نیاز از همه چیز و همه کس است. (سوره ی فاطر، آیه ی ۱۵) در یک جامعه یا شهر آرمانی در جهان دینی، اصل توحید و خدا-محوری، رکن اساسی است و شاخصه‌ی اصلی شهر دینی، ایمان به اصل مذکور و پذیرش الزامات ناشی از آن است. بر اساس اصل توحید، هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند، قابلیت و شایستگی عبادت را ندارد. تمام کاینات و موجودات می‌باید به ربوبیت و پروردگاری وی اعتراف نمایند. اصل توحید، چیزی جز فروتنی و فرمان برداری و عبودیت خداوند و ردّ فرمان برداری و فروتنی در برابر دیگر انسان‌ها، اشیا و سلاطین نیست. توحید در وهله‌ی نخست، نفی طاغوت است و در وهله بعد اعتراف به معبودیت پروردگار می‌باشد (سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۶). به غیر از او نباید فردی را به عنوان مالک و دافع مضار و جاذب منافع برگزید به غیر از او پذیرش هر آقا و سروری نادرست است و نباید بجز فرمان و دستور او، دستوری را پذیرفت. در هر صورت اصل توحید مستلزم آن است که انسان موجودی آزاد و برابر خلق شده است و نباید تحت سلطه و اسارت قرار گیرد و اصل اساسی، ربوبیت پروردگار است.

با پذیرش اصل توحید و خالقیت خداوند و مالک بودن وی بر هستی، نوع نگاه به انسان و سعادت حقیقی وی نیز دگرگون می‌شود. در این چهار چوب انسان به منزله‌ی با ارزش‌ترین و گرامی‌ترین موجود، آفریده‌ی خداوند است. این موجود برخوردار از عقل، کرامت، عزت و اختیار

است. دارای استعداد، تکامل، پیشرفت و ترقی می باشد. انسان موجودی عاقل و مختار است که توانا به انتخاب راه و رسم زندگی خویش می باشد. در برابر این آزادی و اختیار نیز دارای مسؤولیت است و مورد بازخواست قرار می گیرد. در شهر آرمانی اسلام، تک تک افراد به این اصول و نگرش رسیده اند و به این عالم تعلق دارند. با پذیرش اصل توحید و وجود خدا، نگرششان به هستی، انسان، سعادت، آخرت و روابط انسان با آن ها دگرگون می شود. تحقق شهر و جامعه مطلوب دینی منوط به پذیرش چنین نگرشی است. در شهر آرمانی دینی، انسان، جهان و طبیعت را مظهر اراده و قدرت الهی می داند، پایان زندگی را مرگ و نیستی مطلق فرض نمی کند و خویشتن را در تضاد و مخالف هستی نمی بیند. فرد مؤمن جهان را خالی از راز و رمز و دخالت خواست و اراده ی پروردگار فهم نمی کند، وی حضور خدا را در سرتاسر حیات و لحظه هایش درک می کند. علی رغم آن که سعادت و خیر را در دنیای دیگر سراغ می گیرد، از جهان مادی و نیازهای زندگی اش غافل نیست، جسورانه و خستگی ناپذیر در این جهان محدود مادی به تکاپو می پردازد و امید بر آینده ای درخشان دارد. زندگی را خالی از معنا و فرجام نمی پندارد و لذا برخلاف انسان امروزی گرفتار در ایدئولوژی اومانیسزم غربی، احساس غربت، تنهایی، بیگانگی، نومیدی، دلتنگی، ناامنی، رهاگشتگی، سرگردانی و وحشت و بی فرجامی نمی کند. وی همیشه بر جای گاه و ستون معنا بخش شکست ناپذیری تکیه دارد. و این اصل و پذیرش آن است که منجر به امنیت اجتماعی و باعث شهری امن می گردد.

۲ - حفظ کرامت و عزت نفس آدمی:

در یک جامعه آرمانی، انسان ها دارای کرامت و عزت نفس اند و این عزت و کرامت باید حفظ شود و محور تمام تصمیمات و سیاست گذار ی ها نیز باید چنین باشد. چنان چه می دانیم، در اندیشه ی دینی انسان موجودی عاقل، مختار، شریف و برخوردار از کرامت، است. (سوره ی اسراء، آیه ی ۷۰) پس در جامعه (یا شهر امن و آرمانی) در روابط فردی و اجتماعی، از منظر دین، حفظ حرمت ها لازم و ضروری است؛ زیرا در پرتو آن است که انسان تکامل روحی و معنوی می یابد و امکان تحقق اهداف و ارزش های الهی و انسانی و در یک کلام سعادت حقیقی متحقق می شود و امنیت اجتماعی متحقق می گردد.

۳ - عدالت:

یکی از برترین و گرامی ترین آرمان ها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. قرآن کریم هدف اساسی رسالت آسمانی تمامی پیامبران را برقراری عدالت می داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا

رُسُلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره ی حدید، آیه ی ۲۵). (ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و به آن ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند ...). در جامعه‌ی اسلامی (یا شهر امن آرمانی و اسلامی) دادگری و عدالت، محور تمامی فعالیت‌ها است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مؤمن و جامعه‌ی اسلامی و هم چنین به منزله‌ی یکی از اهداف چنین جامعه‌ای، راه گشای روابط زندگی فرد و جامعه است. فرد مؤمن بر این قاعده زندگی خویش را پی می‌ریزد و با دیگر انسان ها ایجاد رابطه می‌کند. اگر مردم حکومت، بر تحقق و استحکام اصل عدالت، اصرار بورزند؛ نظم، امنیت، رفاه و ثبات و تداوم حکومتشان تحقق خواهد یافت و چنان چه آنرا پاس ندارند و حرمتش را زیر پا نهند، نظم اجتماعی و زندگی سیاسی دچار چالش و تهدید خواهد شد و در نهایت به ظلم و ستم و در نتیجه به سقوط و انحطاط و بی‌امنی خواهد انجامید. (مطهری؛ ۱۳۷۸: ۱۱۱)

۴ - آزادی و برابری:

در شهر امن اسلامی، انسان ها بنابر اصل توحید، آزاد و برابر آفریده شده‌اند (سوره ی حجرات، آیه ی ۱۳). تمامی انسان ها آفریده خداوند و وی انسان ها را برابر و آزاد خلق نموده است. انسان ها از بدو تولد، دارای هیچ امتیاز و برتری ذاتی و فطری نمی باشند تا مبنای برتری و نابرابری آنان گردد و احياناً عده‌ای خویش را مستحق فرمانبرداری و دیگران را ملزم به اطاعت نمایند. آزادی و برابری انسان ها وسیله ای فطری و الهی است و ریشه در فطرت و طبیعت انسان دارد و هیچ فردی حق سلب این حقوق از آدمی را ندارد. (مطهری؛ ۱۳۸۸: ۱۴ و ۱۵) بر این اساس انسان ها ذاتاً موجوداتی مختار، عاقل و حاکم بر سرنوشت خویش‌اند و در برابر آن مسؤولند و مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

انسان در پذیرش و گزینش اصول و مبانی حیات و نظام فکری و عقیدتی خود آزاد است و می‌تواند هر گونه که خواست زندگی خویش را تدبیر نماید. بر این پایه، یکی از حوزه‌های عمده‌ی آزادی انسان، آزادی عقیده و وجدان است و هیچ کس حق سلب این حقوق را از انسان ندارد و نمی‌تواند به هیچ قیمت و بهایی انسان را ملزم و مجبور به پذیرش عقیده و نظام فکری کند. در جامعه آرمانی اسلامی، نه تنها مردم مسلمان از آزادی عقیده برخوردارند بلکه دیگر پیروان و مذاهب نیز از آزادی لازم جهت انجام مناسک و مراسم مذهبی آزادند. گرچه آنان پایبند به نظام ارزشی و دینی متفاوتی هستند اما همیشه مورد حرمت و احترام و عزت‌اند. مسلمانان نیز طبق بیان صریح قرآن حق آزار، اذیت و بدرفتاری و دشنام به آنان را ندارند.

(سوره ی انعام، آیه ی ۱۰۸). پایمال کردن حقوق انسان ها و سلب آزادی های آنان و به بردگی و اسارت کشیدنشان، بزرگ ترین و خطرناک ترین نمود ظلم اجتماعی در جامعه است. در حوزه ی زندگی اجتماعی نیز بشر از آزادی حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان و آزادی انتقاد برخوردار است. وی به دلیل داشتن عقل، آزادی و اختیار شایستگی چنین امری را دارد. آزادی بیان و انتقاد از دیگر حقوق انسان ها در شهر امن اسلامی است. هیچ کس در این چهارچوب فراتر از نقد و انتقاد نیست و هیچ کس نیز نمی تواند خود را از انجام این وظیفه دون تر بداند و آن را در شأن خود نیابد. چون امور اجتماعی و سیاسی و به ویژه برقراری حق و عدالت و انصاف پیچیده است و از سوی دیگر همه انسان ها با محدودیت های علمی، فکری و معرفتی روبرو هستند و هم چنین از خطا و اشتباه مصون نمی باشند، لذا آزادی بیان و بیان حقایق تلخ از حقوق ملت و مردم است. این امر در هر صورت مستلزم اداره ی بهتر امور، حذف خطا، بهره برداری درست از منابع شریک شدن در عقول دیگران، و منجر به امنیت اجتماعی و ساختن شهری امن می شود.

۵- امنیت روحی و روانی:

شاخصه ی دیگر امنیت اجتماعی و شهر امن از منظر آموزه های دینی، وجود، امنیت در تمامی عرصه های آن است. در نگرش دینی، خداوند موجودی امنیت آفرین است و یکی از صفات خداوند «المؤمن» (سوره ی حشر، آیه ی ۲۳) می باشد. مؤمن به دلیل پایبندی به ایمان و دین، هم خود امنیت دارد و هم امنیت بخش است. در قرآن کریم آیات متعددی بر این نکته تأکید دارد که ایمان و پذیرش پیام الهی، امنیت بخش خواهد بود و به مردم می گوید: «به خدا ایمان بیاورید و او را عبادت کنید، تا از خوف و ترس و وحشت در امان باشید» (سوره ی نور، آیه ی ۵۵). از این رو باید گفت که یکی از سرچشمه های اصلی امنیت و نامنی، ایمان و عدم ایمان به خداوند است.

۶- اصل مسؤولیت و عطفوت به طبیعت:

در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسؤولیت انسان و هم چنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف بیش از حد و حصر و ارضا غرایز صرف حیوانی نیست، نگرش و رفتار انسان به طبیعت نیز متفاوت است. از این رو انسان تلاش ندارد تا به نحوی افراطی بر طبیعت مسلط و چیره شود و آن را صرفاً به خاطر ارضای خواسته ای نفسانیش نابود نماید. انسان در این چهارچوب خویشتن را در برابر طبیعت و هستی مسؤول و

موظف می‌داند، گرچه بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی حد و حصر نیست. او به هستی و طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند و موجودی ذی شعور، احترام و حرمت قایل است. آن را متعلق به خود نمی‌داند تا هر گونه که خواست با آن رفتار نماید. طبیعت را متعلق به خدا و دیگر مخلوقات و دیگر انسان‌ها می‌بیند. این نگرش به هستی و طبیعت، موجب امنیت می‌شود.

– تجزیه و تحلیل:

اصول تأمین امنیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی:

۱ – وسعت و تقوی؛ که بر نفی مرزهای جغرافیایی و اعتبار عقاید متکی است:

در این باره خداوند متعال می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یک دیگر را بشناسید) و این‌ها ملاک امتیاز نیست { قطعاً ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. بی تردید خداوند، دانای آگاه است } (سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳) و رسول‌گرامی اسلام در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ، وَدِينُكُمْ وَاحِدٌ، وَنَبِيُّكُمْ وَاحِدٌ، وَ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجْمِيٍّ، وَ لَا عَجْمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ، وَ لَا أَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدٍ، وَ لَا أَسْوَدَ عَلَىٰ أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ» (پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی و دین شما یکی و پیامبرتان یکی. هیچ عربی را بر هیچ عجمی برتری نیست و هیچ عجمی را بر هیچ عربی و هیچ گندم‌گونی را بر هیچ سیاهی و هیچ سیاهی را بر هیچ گندم‌گونی، مگر به تقوا.) (مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۵: ج ۲۲: ۲۰۹)

۲ – عمق بخشیدن به هویت دینی، اسلامی:

منظور از هویت دینی این است که انسان، عقاید و گفتار و رفتارش با هم هماهنگ باشند و در در واقع، هویت دینی همان سخن امام علی (ع) است که می‌فرماید: «الایمانُ معرفةٌ بالقلبِ و اقرارٌ باللسانِ و عملٌ بالأركانِ» (ایمان عبارت است از شناخت و معرفت قلبی، اقرار با زبان و عمل با اعضاء و جوارح) (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۶۷۶) و درواقع عدم هماهنگی و ناسازگاری در این سه حوزه، باعث از بین رفتن هویت دینی می‌شود. طبق آیات قرآن، انسان در زمین،

جانشین خداوند متعال است. (سوره ی بقره آیه ی ۳۰) و باید عقاید و گفتار و رفتار در شأن این جانشینی باشد. اگر انسان مسؤولیت خود را فراموش کند و تبعیت از شیطان را پیشه-ی خود کند و و دنیاگرایی مطلق شود و همه چیز را فدای رسیدن به خواسته های نفسانی خود کند، در این زمان است که از هویت دینی خود فاصله گرفته و امنیت خود و اجتماع را به مخاطره می اندازد. هویت دینی در خانواده ها، سدی در برابر آسیب های اجتماعی است. خانواده ها با رعایت آموزه های اسلامی می توانند خود و فرزندانشان را از انواع انحراف ها و ناامنی و تهدیدات دور نمایند. اما نبود فرهنگ دینی عمیق و ریشه دار در خانواده ه و ناآشنایی والدین با الگوها و روش های تربیتی صحیح و منطبق با آموزه های دینی و تقلید کورکورانه از الگوهای نامناسب در جامعه، به تربیت غلط و آسیب های اجتماعی و عدم امنیت اجتماعی منجر می شود.

۳ - عبودیت و تبعیت از خداوند متعال:

آیات فراوانی در قرآن کریم در این زمینه بیان گردیده که انسان ها را به عبودیت و اطاعت از خداوند متعال ملزم نموده و این عبودیت و اطاعت را موجب تقوی و آسایش و امنیت می داند. به عنوان نمونه می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » (ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، بپرستید تا [با پرستیدن او] پروا پیشه شوید.) (سوره ی بقره، آیه ی ۲۱)

۴ - هم گرایی و اتحاد:

یکی از پایه های سازنده ی امنیت اجتماعی، وحدت و هم دلی است. وحدت و همدلی مردم و مسلمانان با یک دیگر و وحدت مردم و حاکم اسلامی و وحدت حکومت و ملت. در قرآن و سنت معصومان (ع) به این مقوله تاکید فراوان شده است و قرآن تفرقه و تنازع را موجب سستی و از بین رفتن قدرت و شوکت مسلمین می داند. آن جا که می فرماید: « وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ »

(و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید ، که سست و بد دل می شوید ، و قدرت و شوکتتان از میان می رود و شکیبایی ورزید زیرا خدا با شکیبایان است) (سوره ی انفال، آیه ی ۴۶) و هم چنین آن جا که می فرماید: « وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.....» (و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید، و پراکنده نشوید!.....) (سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۶) و امام علی (ع) در این باره می-

فرماید: «..... وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ» (..... همواره با بزرگ‌ترین جماعت‌ها باشید، زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید، زیرا کسانی که از جماعت کناری می‌گیرند طعمه شیطان‌اند مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را بر می‌درد. آگاه باشید، هر که مردم را به این شعار دعوت کند، بکشیدش اگر چه زیر این عمامه باشد....) (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۲۴۰)

۵ - اصل اخوت به جای کینه و دشمنی:

خدای متعال در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید) (سوره ی حجرات، آیه ی ۱۰)

۶ - صلح طلبی و پرهیز از جنگ و خشونت و تعصب در برخورد با مخالفان:

بنای اولیه در اسلام بر صلح و پرهیز از جنگ و تعصبات جاهلی در برخورد با مخالفان است. خداوند متعال در قرآن فرموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا قَوْلُوا اشْهَدُوا بِنَا مُسْلِمُونَ» (بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که: جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد. پس اگر [از دعوت به این حقایق] روی گردانند [تو و پیروانت] بگویید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم.) (سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۴)

۷ - مبارزه با جنگ افروزان و فتنه انگیزان:

اسلام در برابر مخالفانی که قصد فتنه انگیزی و جنگ افروزی را داشته باشند، دستور دفاع و مبارزه داده است. و این خود یکی از اصول تأمین امنیت اجتماعی است. خداوند متعال در قرآن در آیات متعددی به این مسأله اشاره نموده است. «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَفِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلَكُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (و آنان را [که از هیچ گونه ستمی روگردان نیستند] هر جا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان

کنید و فتنه [شرک ، بت پرستی ، آزار مردم و بیرون راندنشان از خانه و کاشانه] از قتل و کشتار بدتر است. و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند پس اگر با شما [در آنجا] جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است) (سوره ی بقره، آیه ی ۱۹۱) و هم چنین در آیات ۱۹۳ و ۲۱۷ بقره و ۳۹ انفال و ۷۵ نساء به طور وضوح و صراحت به مسأله دفاع و مبارزه با فتنه انگیزان و جنگ افروزان اشاره نموده است. قریب به اتفاق جنگ های دوران رسول گرامی اسلام (ص) همه دفاعی و مبارزه با فتنه گران و جنگ افروزان بوده است. امام علی (ع) در دوران خلافت و حکومت خود چاره ای نداشت که با فتنه گران و آشوبگران داخلی به دفاع و مبارزه بپردازد و سه جنگ جمل و صفین و نهروان را بر آن حضرت تحمیل نمودند و امام (ع) چاره ای جز دفاع و مبارزه در برابر ناکشین و قاسطین و مارقین نداشت.

۸ - پرهیز از استبداد و اجبار:

پرهیز از استبداد و اجبار و دیکتاتوری از سوی حاکمان و کارگزاران و رهبران دینی در جامعه در جهت تأمین امنیت اجتماعی امت مسلمان، امری الزامی است. خداوند متعال در قرآن در آیات متعددی نسبت به این موضوع اشاره نموده است.

۹ - ظلم ستیزی:

شاید بتوان گفت که کلید اصلی تأمین امنیت اجتماعی از منظر آموزه های دینی، مبارزه-ی همه جانبه با ظلم است. که یکی از مصادیق بزرگ ظلم همان طور که در قرآن و سنت بیان شده است، شرک به خدای متعال است. خدای متعال در قرآن فرموده است: « وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ » (و [یاد کن] هنگامی که لقمان به پسرش در حالی که او را موعظه می کرد ، گفت: پسرم! به خدا شرک نوز ، بی تردید شرک ستمی بزرگ است) (سوره ی لقمان، آیه ی ۱۳) و هم چنین وقتی که آیه ی « الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ » (کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است ، و آنان راه یافتگانند) (سوره ی انعام، آیه ی ۸۲) نازل شد، اصحاب پیغمبر (ص) سخت پریشان شدند و گفتند: کدام یک از ما است که بر خویشتن ستم نکرده باشد؟! رسول خدا (ص) فرمود: « لَيْسَ كَمَا

تَنْظُونُ. وَإِنَّمَا هُوَ مَا قَالَهُ لِقَمَانٍ لِإِنِّهِ: لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ... إِنَّمَا هُوَ: وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكٍَ « (آن گونه که گمان می برید نیست. بلکه این همان چیزی است که لقمان به پسر خود گفته است: به خدا شرک نوز، بی تردید شرک ستمی بزرگ است. پس معنی آن چنین است: ایمان خود را با شرک نیالوده و نیامیخته باشند) (مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۵: ج ۵: ۳۹۹) ظلم و انواع آن باعث از بین رفتن امنیت اجتماعی در جامعه است. بنابراین برای برقراری امنیت باید با انواع و اقسام ظلم مبارزه کرد.

۱۰ - عدم اطاعت طاغوت:

در آیات متعدد قرآن از اطاعت و تبعیت از طاغوت و طاغوتیان نهی شده و خداوند متعال این اطاعت را مایه ی خروج از نور به سوی تاریکی ها (سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۷) و کافر شدن (سوره ی نساء، آیه ی ۵۱) و گمراهی از راه خدا و مورد لعنت و غضب خداوند قرار گرفتن و در نهایت مسخ شدن (سوره ی مائده، آیه ی ۶۰) و یاور شیطان قرار گرفتن (سوره ی نساء، آیه ی ۷۶) می داند.

۱۱ - پایبندی به پیمان ها و تعهدات و برخورد با پیمان شکنان:

پیمان شکنی مخلّ امنیت اجتماعی است. در آیات فراوانی از قرآن کریم بر این موضوع و برخورد با پیمان شکنان، تأکید شده است. خداوند متعال، پیمان شکنان را فاسق (سوره ی اعراف، آیه ی ۱۰۲) و بی تقوی (سوره ی انفال، آیه ی ۵۶) دانسته و به بیزاری از مشرکان که همان پیمان شکنانند دستور داده (سوره ی توبه، آیه ی ۴ و ۷) و پیمان شکنان را ائمه ی کفر می داند. (سوره ی توبه، آیه ی ۱۲)

۱۲ - پای بندی و التزام به قوانین الهی:

پای بندی به قوانین الهی منجر به نظم اجتماعی در جامعه می شود و نظم باعث امنیت همه جانبه در جامعه می گردد. بنابر این نظم مبتنی بر قوانین الهی، امنیت اجتماعی را به دنبال دارد.

۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر همان نظارت همگانی در جامعه است. این نظارت اجتماعی از منظر آموزه های دینی از پایه های امنیت اجتماعی به شمار می رود. اگر مردم به این دو وظیفه پایبند باشند و عمل کنند، جامعه روح آرامش و امنیت را به خود می بیند. امام علی (ع) در سفارش های خود می فرماید: «..... لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّي عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.....» (..... امر به معروف و نهی از منکر را فرو نگذارید، که بدترین کسانتان بر شما سروری یابند و از آن پس، هر چه دعا کنید به اجابت نرسد.....) (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۵۵۸)

و هم چنین ترک امر به معروف و نهی از منکر را مایه ی سقوط و انحطاط اجتماعی و نفی هویت و حیات انسانی، می داند. (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۷۱۹/۲۴۴/۷۲۰)

۱۴ - اقتدار اجتماعی در قالب حکومت:

توانمندی حکومت و اقتدار آن، بزرگ ترین مایه ی امنیت اجتماعی است. امام علی (ع) می فرماید: «... در سایه ی حکومت، مؤمنان به کار خود مشغول و کافران هم بهره مند می- شوند. و مردم در استقرار حکومت، زندگی می کنند و به وسیله ی حکومت، بیت المال جمع- آوری می گردد و به کمک آن با دشمنان می توان مبارزه کرد. به وسیله ی حکومت است که جاده ها امان و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود. به واسطه ی حکومت است که نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می باشند» (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۹۲)

۱۵ - مماشات و عدم پافشاری گروه های سیاسی:

در جامعه ای که از گروه های سیاسی متعددی برخوردار است، اگر این گروه های سیاسی با هم مماشات داشته باشند و از اختلافات پرهیز کنند و رقبای سیاسی خود کنار بیایند و مصلحت جامعه را بر مصلحت و منافع گروهی و سیاسی خود ترجیح دهند، قطعاً در برقراری امنیت و ثبات اجتماعی تأثیر به سزایی خواهد داشت. این همان کاری است که امام علی (ع) در سیره و عمل خود در تاریخ اسلام به خوبی نشان داده است. بعد از رحلت رسول گرامی (ص) با وجودی که حکومت و زمامداری مسلمانان حق مسلم و الهی آن حضرت بود اما به خاطر دین اسلام و مصالح اجتماع از حق خود چشم پوشی نمود و فرمود: «..... فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى

هاتا اُحْجی، فَصَبْرَتْ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى، وَ فِي الْخَلْقِ شَجاً! آری تُرَائِي نَهْباً.....» (....) پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود. و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند) (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۴۴)

۱۶ - رعایت حقوق والی و رعیت در جامعه:

از نظر آموزه های دینی رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم، یکی از اصول و پایه های تأمین امنیت اجتماعی است. خداوند متعال در قرآن مجید بارها به این امر اشاره نموده است و دستور به اطاعت داده است. آن جا که می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.....» (ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید.....) (سوره ی نساء، آیه ی ۵۹) امام علی (ع) ضمن بر شمردن حقوق متقابل حاکم و مردم، (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۸۶) رمز پیروزی را در اطاعت از رهبر و حاکم جامعه ی اسلامی می‌داند. (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۷۰) و رعایت حقوق متقابل این دو را باعث ثبات و امنیت در جامعه بر می‌شمارد. (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۴۹۲/۲۸۸) و می‌توان به اصول دیگری مانند: تساهل و تسامح توأم با جدیت و قاطعیت، ترویج انفاق و ایثار در جامعه، رسیدگی به فقراء و محرومان و برقراری عدل و قسط در جامعه و.... اشاره نمود.

عوامل تهدید کننده ی امنیت اجتماعی از منظر آموزه های دینی

در سیره ی امنیتی رسول گرامی (ص) تهدیدهای اصلی امنیت انسان و جامعه ی انسانی درونی است. از این رو در موضع امنیت فردی، موانع درونی کمال انسان، از قبیل: ظلم، دروغ، نفاق، ربا، شرک، ربا، قطع صلح ی رحم، بی نظمی، پیروی از هوی و هوس، تقلید کورکورانه، و در یک کلمه بی تقوایی و مرتکب شدن به معاصی و گناهان، جزء تهدیدات و خطرات است. و در حوزه ی اجتماعی، ظلم به دیگران و به تعبیر دیگر، تجاوز به حقوق انسان‌ها، تکاثر و افزون طلبی، تعصبات قومی و نژادی، نابرابری های اقتصادی، آموزشی، شغلی و... و پایبند نبودن به قوانین الهی و اجتماعی و تقویت روحیه ی فرد گرایی و ناکارآمدی نظام اداری جامعه و ترک امر به معروف و نهی از منکر و... جزء تهدیدات و خطرهای امنیت اجتماعی

محسوب می شوند. به همین دلیل است که اصطلاح جهاد اکبر و اصغر، در سخنان رسول گرامی (ص) برای تأمین امنیت فردی و اجتماعی اطلاق شده است. عن ابي عبدالله (ع): « أن النبي (ص) بعث سرّيه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الأصغر و بقى عليهم الجهاد الأكبر. فقیل یا رسول الله ما الجهاد الأكبر؟ قال: جهاد النفس ».

امام صادق (ع) فرمودند: « پیامبر (ص) گروهی را به جنگ با دشمنان فرستاد و چون برگشتند فرمود: مرحبا به گروهی که جهاد اصغر را انجام دادند و تکلیف جهاد اکبر هم چنان بر دوش آن هاست. آنان گفتند: یا رسول الله جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس ». (خمینی؛ ۱۳۷۵: ۴) خداوند متعال در قرآن کریم؛ مسخره کردن، عیب جوئی مؤمنان از هم دیگر، استفاده از القاب زشت و ناپسند، گمان بد مؤمنان نسبت به هم دیگر، تجسس در زندگی مسلمانان و غیبت کردن مسلمانان از هم دیگر را جزء عوامل تهدید کننده ی امنیت اجتماعی می شمارد. (سوره ی حجرات آیه ی ۱۱ و ۱۲) تفرقه و گروه گرایی یکی دیگر از عوامل مهم تهدید کننده ی امنیت اجتماعی است که قرآن کریم توجه ویژه ای به آن نموده است. (نجفی علمی؛ ۱۳۷۱: ۲۷۳) امام علی (ع) عوامل تهدید کننده ی امنیت اجتماعی را در موارد زیر می داند؛ سستی و تنبلی در دفاع ملی (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۷۸/۸۶)، حرمت شکنی و گستاخی مردم نسبت به رهبر و روحیه ی تقدم بر رهبر و امام داشتن (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۹۲/۷۰)، بی ایمانی و کم رنگ شدن ایمان و تعهد دینی مسلمانان (آمدی؛ ۱۳۷۷: ج ۲: ۴۳۳)، بی توجهی و غفلت از وجود دشمن (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۲۳۲)، اختلافات داخلی (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۶۷۴/۶۰۰)، فساد کارگزاران (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۵۹۸/۵۴۶/۵۰۰) و قانون شکنی (دشتی؛ ۱۳۸۱: ۴۴۰)

راه کارهای امنیت اجتماعی

آزادی معنوی انسان ها (رهایی از گناه و خروج از اسارت نفس و بردگی و بندگی هوای نفس و شیطان) که منجر به آزادی اجتماعی می شود، (مطهری؛ ۱۳۸۸: ۲۵) مشارکت عمومی و همیاری در کارها توسط مردم و جامعه، عبادت، مردم دوستی، نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر)، واگذاری امور جامعه به متعهدین و متخصصین و نخبگان، بالابردن سطح آگاهی های توده ی مردم در عرصه های گوناگون از راه درک آموزه های دینی، کوشش در جهت تعمیم شریعت اسلام در همه ی عرصه های زندگی، اجرای برنامه های تربیتی همه جانبه برای بخش های مختلف جامعه بر اساس آموزه های دینی، کوشش در راه نزدیک کردن

اندیشه‌ها به یک دیگر و وحدت بخشیدن به مواضع عملی جامعه‌ی اسلامی، کوشش در راه تقویت نهادهای اسلامی و مورد نیاز جامعه، حمایت و گسترش مؤسسات نیکوکاری و کمک-رسانی همه جانبه به مؤسسات و نهادهایی که اقشار ضعیف جامعه را تحت پوشش خود دارند، پاسداری از اصالت آموزش و و یاری گرفتن از کتاب الهی و سنت معصومان (ع) در تدوین بنیان‌ها و بنیادهای آموزشی، پرهیز از تفرقه و گروه‌گرایی، حرکت و انقلاب همه جانبه برای حمایت از قشر آسیب دیده و آسیب پذیر جامعه و.....

نتیجه گیری

در آموزه های دینی نسبت به امنیت و انواع و اقسام آن، توجه ویژه ای صورت گرفته است. از همان صدر اسلام و شروع بعثت رسول مکرّم اسلام (ص) و نزول اولین آیات قرآنی که بر قرائت و خواندن و تعلیم و تربیت و تزکیه، همراه بوده است؛ می توان دریافت که اسلام به مبانی و اصول امنیت در همان آغاز و نقطه ی عطف، توجه خاص و ویژه ای داشته است که به مهم ترین پایه ی امنیت که همانا تعلیم و تربت می باشد، توجه نموده است. با نگاه به آموزه‌های دینی {قرآن و سنت معصومان (ع) و به ویژه در سخنان امام علی (ع)} می توان به اهمیت بسیار زیاد امنیت و انواع آن و اصول و مبانی و شاخص‌ها و موانع امنیت، پی برد.

در این مقاله تلاش شده است تا از منظر آموزه های دینی، به امنیت فردی و اجتماعی و اصول امنیت اجتماعی از قبیل: ایمان و تقوی، عمق بخشیدن به هویت دینی، عبودیت، اتحاد و هم دلی، اخوت و برادری، صلح طلبی، مبارزه با فتنه گران و منافقان، دوری از استبداد و خودکامگی، ظلم ستیزی، عدم اطاعت طاغوت، پای بندی به پیمان‌ها و قوانین الهی و اجتماعی، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، و رعایت حقوق حاکم و مردم یا دولت و ملت و هم چنین به موانع و عوامل تهدید کننده ی امنیت اجتماعی از مانند: امنیت فردی و اجتماعی از قبیل: ظلم، دروغ، نفاق، ریا، شرک، ربا، قطع صله ی رحم، بی نظمی، پیروی از هوی و هوس، تقلید کورکورانه، و در یک کلمه بی تقوایی و مرتکب شدن به معاصی و گناهان، و ظلم به دیگران و به تعبیر دیگر، تجاوز به حقوق انسان‌ها، تکاثر و افزون طلبی، تعصبات قومی و نژادی، نابرابری های اقتصادی، آموزشی، شغلی و... و پایبند نبودن به قوانین الهی و اجتماعی و تقویت روحیه ی فرد گرایی و ناکارآمدی نظام اداری جامعه و ترک امر به معروف و نهی از منکر و هم چنین؛ مسخره کردن، عیب جویی مؤمنان از هم دیگر، استفاده از القاب زشت و ناپسند، گمان بد مؤمنان نسبت به هم دیگر، تجسس در زندگی مسلمانان و غیبت کردن مسلمانان از هم

دیگر، سستی و تنبلی در دفاع ملی، حرمت شکنی و گستاخی مردم نسبت به رهبر و روحیه ی تقدم بر رهبر و امام داشتن، بی ایمانی و کم رنگ شدن ایمان و تعهد دینی مسلمانان، بی توجهی و غفلت از وجود دشمن، اختلافات داخلی، فساد کارگزاران، قانون شکنی و عدم رعایت عدالت در جامعه و هم چنین به شاخص های امنیت و شهر امن مانند: اصل خدا محوری و حاکمیت خداوند، اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و برابری در برابر قانون، برقراری عدالت، برابری و مساوات، تعریف و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی، تعهد و مسؤولیت افراد، آزادی عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد، اصل اخوه، برادری، گذشت، ایثار و حس همدردی، قانون گرایی، نظم، برقراری قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی، برپایی و حاکمیت علایم و نشانه های دین، اصل متقابل بودن حقوق و احترام به حقوق یکدیگر، اعتماد و حسن نیت نسبت به یکدیگر، وفای به عهد، برقراری امنیت جانی، مالی، شخصیتی و خصوصاً اصل مشاورت و شورایی بودن امور و توسعه ی اقتصادی و اجتماعی و هم چنین به ارائه ی راه کارهای امنیت اجتماعی مانند: امنیت و آزادی معنوی، نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر)، مشارکت عمومی و همیاری در کارها، عبادت، مردم دوستی، واگذاری امور جامعه به متعهدین و متخصصین، بالابردن سطح آگاهی دینی و علمی مردم و پرداخته شود.

پیشنهادهات:

- ۱- در ساخت فضاهای شهری به برقراری امنیت اجتماعی ساکنین توجه شود.
- ۲- توزیع متناسب امکانات و تجهیزات شهری در محلات مختلف شهر
- ۳- تأکید به حق همگانی برخورداری و بهره برداری از منابع موجود در شهر از جمله سلامت در منابع آب، هوا، غذا و ...
- ۴- استفاده از فضاهای عمومی بطور متعادل از جمله فضاهای آموزشی، تفریحی، درمانی و ...
- ۵- احداث شبکه معابر مطلوب و با کیفیت در شهرها از جمله برخورداری از عرض مناسب و نورپردازی کافی
- ۶- سهولت در دسترسی ها
- ۷- حذف فضاهای تهدیدآمیز از قبیل: ساختمان های نیمه کاره و ...
- ۸- ایجاد فضای اجتماعی مطلوب نظیر صداقت، شفاف سازی، همکاری و نوع دوستی

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آشوری، داریوش، دانشنامه ی سیاسی، ۱۳۸۷ ه ش، تهران، نشر مروارید
- ۳- پور موسوی، م و امینی، م، شاخص های شهر امن در اسلام، ۱۳۹۲ ه ش
- ۴- دشتی، محمد، نهج البلاغه، ۱۳۸۱ ه ش، قم، انتشارات نیلوفرانه
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۴۱ ه ش، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- ۶- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۲۳ ه ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۷- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه ی المنجد، ۱۳۷۵ ه ش، تهران، انتشارات اسلام
- ۸- شیخ الاسلامی، حسین، گفتار امیرالمؤمنین، ترجمه ی هدایه العلم و غررالحکم، ۱۳۷۷ ه ش، قم، انتشارات انصاریان
- ۹- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ۱۳۶۳ ه ش، ترجمه محمد باقر همدانی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی
- ۱۰- طریحی نجفی، فخر الدین، مجمع البحرین، ۱۳۷۸ ه ش، تحقیق احمد حسینی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۱۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۱۴۱۴ ه ق، قم، انتشارات اسوه
- ۱۲- لک زایی، شریف، آزادی سیاسی در اندیشه ی مطهری و بهشتی، ۱۳۸۰ ه ش، قم، بوستان کتاب
- ۱۳- محمدی، ع و امیری، ی و جوهر، م، اولویت بندی وضعیت شاخص های اجتماعی، ۱۳۹۳ ه ش
- ۱۴- مشکینی، الف و مقدم، ع، بررسی و مؤلفه ها و شاخص های شهر اسلامی، ۱۳۹۱ ه ش
- ۱۵- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸ ه ش، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۶- مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، ۱۳۸۸ ه ش، قم، انتشارات صدرا
- ۱۷- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳ ه ش، قم، انتشارات صدرا
- ۱۸- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ۱۳۷۸ ه ش، قم، انتشارات صدرا

- ۱۹- معاونت اجتماعی ناجا، مجموعه ی مقالات همایش امنیت اجتماعی، ۱۳۸۴ ه ش، تهران، نشرآشنایی
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۸۵ ه ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۲۱- نجفی علمی، محمد جعفر، جامعه و سنن اجتماعی در قرآن، ۱۳۷۱ ه ش، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۲۲- موسوی خمینی، روح الله، اربعین حدیث، ۱۳۷۵ ه ش، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

Archive of SID